



اتحاد دانشجویان ضد فاشیسم

اتحاد (ویژه) نامه 8 مارس روز جهانی زن

همه با هم بر علیه فاشیسم
متحد شویم



اتحاد دانشجویان ضد فاشیسم

— زنان؛ ارتش ذخیره کار

(م. بیدار) صفحه 1 و 3

— زن پرولتر مرد است

(کیوان ب) صفحه 3

— زنان علیه زنان

(ف.معین) صفحه 2

— زن و خود آگاهی

(م.رستگار) صفحه 4

— زنان؛ ارتش ذخیره کار (م. بیدار)

را از ارتش کار بیرون نمی‌اندازند، بلکه با ارائه دستمزدهای ناچیز و شرایط کاری نامطلوب و عرضه خدمات اجتماعی نابرابر از طرفی، و با فشارهایی که از طریق کارهای خانگی بر او تحمیل می‌کنند و ایجاد نقش «مادر نمونه» از سوی دیگر، فرصت و توانی برای ارتقای آگاهی در او باقی نمی‌گذارند. بدین ترتیب اهداف استثماریشان را بر زن و جهان او اعمال می‌نمایند.

نباید فراموش کرد که هدف اغواگرانه سرمایه‌داری برای بیرون کشیدن زنان از محیط فردی خانواده به مشارکت اجتماعی، مترادف با فاکتورهای آزادی‌خواهانه و حقوق برابر نیست، بلکه صرفاً بهره‌کشی بیشتر از زنان به عنوان «ارتش ذخیره کار» است. زنان در جامعه ما عملاً نان‌آور به حساب نمی‌آیند و مزدبر دوم خانواده‌اند. آنان عموماً کارگران حاشیه و موقتی و به عبارتی، تعبیر امروزی کارگران خانگی دیروز هستند.

سرمایه‌داران به دنبال این هدف پلیدند که زنان به جهت روبرویی با مشکلات و فشارهای اقتصادی و اجتماعی و رویهم انباشتگی کار منزل و بیرون، خود و نهایتاً مردان را سرزنش کنند. اما باید دریافت که حقیقت در پشت پرده مناسبات تولید، دست اندرکار شکل‌دهی و تعریف روابط انسانهاست.

زنان آزادی‌خواه در کنار لزوم ارتقای آگاهی، باید از حالت تدافعی که سالهاست در پیش گرفته‌اند به حالت تهاجمی در بیایند و فراموش نکنند که عامل اساسی مشکلات همان نظام است

در این سیستم معیوب، زنان برای کسب مقام اجتماعی وارد بازار کار می‌شوند اما به این دلیل که همچنان تفکیک کار جنسیتی وجود دارد، به مشاغل غیرتخصصی و موقتی با درآمد کمتر با مدت زمان کاری زیاد اکتفا می‌کنند و نقش زنانه منزل با بی‌رحمی همچنان بر دوش آنان سنگینی می‌کند. چنین است که باز هم کارفرمایان نظام سرمایه‌داری با فریبکاری به داد او می‌رسند و انواع کالاهای زندگی نوین و مصرفی را به وی تحمیل می‌کنند. در این میان کارگران، خود تولید کننده و مصرف کننده‌اند و این کارفرمایان هستند که بیشترین میزان سود را به جیب می‌زنند و راهکارهای اعجاب‌انگیزتری برای رسوخ به افکار و آمال مردم ساده‌دل و فرسوده از زندگی نوین صنعتی ابداع می‌کنند و باز هم همان‌ها نوید بخش زندگی آرمانی مردم هستند؛ آنها خود آرمان شما را شکل می‌دهند و خود در مقام آفریننده معجزه می‌کنند.

گسترش بازار کار برای زنان در ایران، به خوبی نشانگر استفاده روزافزون سرمایه‌داری از این قشر ستمدیده است. اما نگاهی به تپترهای مشاغل ببندازید: زنی آراسته، زنی خوش بیان، خانمی مسلط به چندزبان با روابط عمومی بالا!! آیا به راستی این آن چیزی است که زنان را به مشارکت اجتماعی فراخواند؟ در شرایط حاضر که تقاضای کار در زنان افزایش یافته، کارفرمایان و دولت نه تنها آنان

- جایگاه زن در جنبش‌های کارگری همواره بحث برانگیز بوده است. ورود زنان به بازار، در سطح جهانی بسیار سریعتر از کشور ما صورت گرفت، با این وجود همچنان مشکلات و موانعی بر سر راه زنان کارگر وجود دارد.

زنان علاوه بر رشد خودآگاهی و بارور کردن استعدادهای فنی خود برای به عهده گرفتن مشاغل تخصصی، باید در مقابل کارفرمایان که زن را به عنوان کارگر درجه دوم و به عبارتی «نیروی ذخیره کار» می‌پذیرد، بایستند. کارفرمایان در سیستم غالب سرمایه‌داری، با استفاده از اختلاف دیرینه میان دو جنس زن و مرد، نوعی جامعه دوتایی متقابل تعریف کردند که در آن زنی که به نیروی کار می‌پیوندد، رقیب مرد پنداشته می‌شود و بدین ترتیب حضور گسترده زنان در بازار کار، مردان بیشتری را به رقابت در عرصه تولید سوق می‌دهد که این فرایند در نهایت منجر به پیشرفت و کسب سود افزونتر کارفرمایان است. از طرفی با حضور زنان در بازار کار، میزان مصرف کالا در طبقه کارگر نیز افزایش می‌یابد و رخنه سرمایه‌داری به محدوده شخصی و خانوادگی انسانها، تکمیل می‌شود.



زنان علیه زنان (ف.معین)

زنان نیستند که علیه زنان به پا خاسته اند؟ و ترویج منضم بودن و در نهایت شیء بودگی می کنند؟ آیا غیر از این است که زنانی که تحت تعالیم این حکومت هستند اجتماع را زن زدایی می کنند و خود نیز به این جریان دامن می زنند؟ یا در جایی دیگر عنوان می شود که انقلاب زن را به عرصه اجتماع وارد کرد بدون اینکه زن تحقیر شود. تحقیری بیش از این که تمامی حقوق زن را حکومت تحت لوای سنت و مذهب، به نفع خود مصادره کرده است؟ تحقیری بیش از این که زنان را به کالایی برای لذت مردان بدل ساخته است؟ قوانین حمایت از خانواده که متن آنها ماهیتی کاملاً متضاد با نام آن دارد به تصویب می رسد و شأن و منزلت زن را در حد یک موجود بی مقدار پایین می آورد. اگر زن از حدود تعیین شده پا فراتر بگذارد مشمول قوانین مردانه می شود. بسط و رواج عدم آگاهی از سمت رژیم حاکم چنان ریشه دوانده است که زندگی با سطحی نازل به مثابه طبیعت واقعی انگاشته شده و در روند این مسیر، بزرگ ترین ظلم روا داشته شده نسبت به زنان توسط خود آنان به وجود آمده است. جهل و عدم آگاهی مهم ترین عنصری است که با ریشه های عمیق خود زنان را مسموم کرده است و از زهری به نام عادت سیراب گشته است.

اتحاد دانشجویان ضد فاشیسم



اتحاد دانشجویان ضد فاشیسم

دانشجویان ضد فاشیسم یک ارگان مستقل بوده و خواستار آزادی و برابری و عدالت اجتماعی و همچنین نابودی فاشیسم جنایتکار می باشد..... لزوم عملگرایی موجب گشت ما مبارزاتمان را در سطح خیابان ها و دانشگاه و... ببریم و همچون بسیاری دیگر تنها محدود به فضای مجازی نباشیم... نشریه اتحاد که متعلق به دانشجویان ضد فاشیسم می باشد در سطح شهر ها، خیابان ها و دانشگاه ها و کارخانه ها پخش گشته و می گردد... و همچنین ما به تمام گروه ها و افراد آزادی خواه و برابری طلبی که معتقد به نابودی فاشیسم می باشند... آنها را دعوت به اتحاد بر علیه فاشیسم می نمایم... پس در این راه طولانی و پر خطر با ما همراه شوید .



هر زمان سخن از تفاوت بین حقوق زنان و مردان یا جایگاه اجتماعی آنان به میان آمده، زنی ضعیف ترسیم شده است و مردی که ظلمی به عمق یک تاریخ در حق او روا داشته است. همیشه مردان دشمنان سرسختی به شمار رفته اند که با تمام توان خود سعی کرده اند زن را از اریکه قدرت دور سازند. اما زنان خود چه جایگاهی در تاریخ برای خود برگزیده اند؟ زنانی که تماماً بر این باوراند که طبیعت و سرشت زن تنها در نقش مادری و همسری به اوج شکوفایی می رسد. آنان که آنقدر غرق در نقش مادری و زنانگی خود در جامعه شده اند که دیگر به هیچ چیز نمی اندیشند یا شاید هم نمی دانند که چیزهای دیگری هم برای اندیشیدن هست و گونه ای دیگر نیز برای زیستن وجود دارد. زندگی روزمره چنان آنها را در بر گرفته است که ذهنشان در زیر چرخه ی تکرار مدفون شده است و رژیم حاکم نیز در بسط این عدم آگاهی نهایت قدرت خود را اعمال داشته و متأسفانه این بار هم زنان به ابزار شدگی خود تن داده اند و در نقشی چون بسیج خواهران کشور در پشت تریبونی دولتی و در جایگاهی اجتماعی اذعان می کنند که در وجود انسان قابلیت های خاصی وجود دارد و زن برای خانواده آفریده شده است. آیا این یک زن نیست که در جایگاهی اجتماعی خواستگاه یک زن را تنها به بستر خانواده تقلیل میدهد؟ و این بار باز هم زنان قربانی جهل خویش می شوند. مجرایی که می تواند زن را به مثابه نوع بشر و نه کالا معرفی کند و زیر بنای بیمار ساختاری، سنتی و مذهبی را در هم بشکند، تریبونی می شود برای باز تولید هر آنچه ساختار قدرت مسلط به عنوان الگویی قطعی عرضه کرده است. نقش پر رنگ زنان در ضدیت با خویش چه در بطن حکومت و چه در ساختار جامعه نادیده انگاشته شده و انگشت اشاره ی تقصیر تماماً متوجه مردان شده است. آیا این



ادامه مطلب از صفحه 1

8 مارس (17 اسفند) سالگرد مبارزه جهانی زنان با استثمار برای برخورداری از حقوق برابر در تمام عرصه‌های فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی و... است. با وجودی که در جامعه ما حتی حق اعتراض نیز به رسمیت شناخته نشده است. زنان ایران باید بدانند که عقب نشانی فرهنگی آنان در نقش‌های درجه دوم از اهداف بلندمدت حکومت‌های فاشیستی است که از آگاهی زن و ورود او به عنوان عاملی فعال در عرصه‌های مختلف سیاسی و اجتماعی واهمه دارند. زنان نباید بگذارند که به کالا و ابزارهای تنها برای لذت بصری تنزل مقام یابند. آنان باید به نقش‌های خود واقف شده و بدانند دوگانگی در بازار کار و محیط اجتماع از ابزارهای دست‌ساز سرمایه‌داری است و در کنار مردان کارگر به مبارزه علیه استثمار بپردازند. درجه پیشرو بودن یک جامعه با میزان آزادی زنان آن جامعه سنجیده می‌شود.



IREN

زن توسط مرد در خانواده جلوگیری کند چنانکه تامین مالی خانواده توسط زنان آنچنان رسمیت ندارد که مردان اصلی ترین منبع درآمد خانواده تلقی شده و زنان در نگاه سنتی و سرمایه داری همواره به عنوان کارگران خانگی مورد پذیرش هستند... ایجاد تغییرات اساسی در این ساختارهای استثمارگری جز با مشارکت همه جانبه ی زنان ممکن نیست

.کیوان.ب.

" زن پرولتر مرد است " (کیوان . ب)

با آن که شکل سرمایه داری در ایران متفاوت با تعاریف کلاسیک و کلی است اما ماهیت حکومت سرمایه داری آن که در واقع یک سرمایه داری دولتی است قابل انکار نیست. بدیهی است که در نظام سرمایه داری بخش بزرگی از جامعه در رنج و تلاش مداوم به سر می‌برند و نه تنها هیچ عایدشان نمی‌شود که تمام حاصل دست رنجشان در اختیار قشر اندکی از جامعه قرار می‌گیرد. از آن جایی که در جوامع خانواده محور همواره بین جامعه و خانواده ارتباط متقابل وجود دارد این دو مجموعه به طور مستقیم و غیر مستقیم روی هم تاثیر می‌گذارند. در جامعه ای سرمایه داری که در آن مردان به عنوان نیروی عظیم و اصلی کار شناخته می‌شوند و همواره در ارزش گذاری های طبقاتی - حتی با درجه بندی های اداری و کاری - مورد سرکوب قرار می‌گیرند این الگو که شکلی ناخواسته نداشته بلکه کاملاً برنامه ای سیستماتیک است به گونه های مختلف به مجموعه ی خانواده راه یافته و خود را در روابط خانوادگی که در واقع بر مبنای همان روابط اقتصادی جامعه شکل گرفته بروز می‌دهد. در چنین حالتی است که مرد به عنوان نان آور خانواده که اعضای خانواده به وی وابستگی اقتصادی دارند برای سایر اعضا به خصوص زن نقش کارفرما را ایفا کرده و نیروی سرکوب اجتماعی را به زنان منتقل می‌کند. زن در خانواده آن هم خانواده ای سنتی همان نقشی را ایفا می‌کند که مرد در یک جامعه ی طبقاتی و سیستم اقتصادی آن. زن در خانه کار می‌کند بدون این که در مورد انتخاب آن اختیاری داشته باشد و حتی چیزی به عنوان دست مزد - چه مادی و چه غیر مادی چون محبت و احترام - نصیبش شود و مرد به عنوان کارفرمایی که نبض اقتصاد زن و خانواده در دست اوست در مقابل پرداخت کمترین حقوق زن سرباز می‌زند همان گونه که جامعه ی سرمایه داری و سرمایه داران از پرداخت کمترین حقوق وی در جامعه. و به این ترتیب زن در جامعه نه تنها از سوی حکومت سرمایه داری مورد استثمار قرار می‌گیرد که این نقش را در خانواده نیز ایفا می‌کند. قابل ذکر است که بدون تغییرات اساسی در ساختار جامعه حتی استقلال اقتصادی زن در خانواده نیز نمی‌تواند به صورت مطلق از استثمار.....

گرامی باد 17 اسفند روز جهانی زن





زن و خود آگاهی

بسیاری از تعاریف در جوامع انسانی چنان طبیعی و بدیهی ارائه گشته ، که سنن، قوانین و روابط موجود بر اساس آنها پایه ریزی شده اند. قوانین بر اساس این تعاریف تکوین یافت و عرف و عادات توسط این قوانین حمایت شد. یعنی رابطه ای دو سویه . این قوانین و سنن نه تنها همواره ابزار حاکمیت بوده اند بلکه به دلیل ترویج و تثبیت حقانیت خود از طریق اعمال قدرت از پشتیبانی عام هم بر خوردار گشته اند! در حالی که بسیاری از این تعالیم و قوانین ریشه در واقعیت های موجود نداشته و در سیری تاریخی بر اساس منافع گروهی یا طبقه ای یا به دلایلی خاص پایه ریزی شده و با حمایت هم ایشان ثبات و تداوم یافته اند. موقعیت فردی و اجتماعی زنان گونه که اکنون رسمیت یافته مشمول همین ماجراست! کیفیت اخلاقی قوانین ، سنت ها و عرف به گونه ای است که زنان را تحت فشار و با هنجار سازی های دروغین از توسعه ی وجودی خویش محروم می سازد و با تحمیل قواعد خود زن را مجاب به پذیرش الگوهایی می کند که بر اساس ان باید از تمنیات ، استعدادها و تجربه ی بسیاری از میداین چشم پوشی نموده و فردیت خود را قربانی پروار کردن منافع فرهنگ غالب کند! در کشور ما ایران ، قوانین مدنی و خانواده با تاکید بر طبیعت متفاوت زنان حقوق اجتماعی متفاوتی برایشان قایل شده و هر گونه استدلالی بر مبنای اهمیت عدالت و تساوی باطل و نامربوط محسوب می شود. این قوانین با نفوذ و استیلا بر همه چیز برای زن شخصیت سازی می کنند! و او به عنوان موجودی عاری از اندیشه ، منفعل و بی اراده موظف به تمکین از خردی سیاه ، متحجر و جبارانه است. زنان از ابتدا به گونه ای تربیت می شوند که گویی بسیاری از مسایل اساساً به آنها مربوط نیست و از حیطة ی فعالیت آنها خارج است. زنان به ندرت نظری عمیق و بنیانی دارند چرا که نظام تربیتی موجود ، ضعف قوه ی تحلیل و رکود فکری آنان را طلب می کند. زنان اغلب بدون کمترین ژرف اندیشی مسایل زندگی را بررسی می کنند و در این نظام تحلیل می روند. و اما در مقطع کنونی زنان آگاه ایران می بایست در مسیر ارتقاء و اثبات حقیقت و حقانیت خویش حرکت کنند. راه حل طبیعی این مسئله از طریق تعدیل و تقسیم قدرت هاست و این مستلزم تعدیل و تصحیح قوانین و باورهای جامعه است. و این ها امکان نمی یابد مگر با ارتقاء سطح آگاهی و خود باوری. تحول و بیداری فرد فرد ما زنان. آگاهی از چیستی و سرشت واقعی مان ، از توان مندی ها و افق های تازه ای که می تواند فرا رویمان باشد. با طلب کردن آنها و محدود ندانستن خود. با نه گفتن و نپذیرفتن هر آنچه زن را به موجودی محدود و ایستا فرو می کاهد و او را از صعود باز می دارد.

<http://www.antifashismsolidarity.blogspot.com>

<http://www.antifashismunion.wordpress.com>

از سایت اتحاد دیدن کنید و نظرات و پیشنهادات خود را مطرح کنید

